

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

## بازتعریف برداشت از "جهاد" و "تروریسم" و پیامدهای آن دورنمای تحقق وعده‌های "طالب"ها بکجا خواهد انجامید؟ "اعلام خطر" بدون ارائه هیچ مدرک و چشم اندازی در مورد

ایالات متحده و پس منظر تجارت خون در میهن افغان‌ها  
باورهای غلط عمومی در مورد تروریسم و "القاعده"  
تبدیل افغانستان از کشور فقیر به کشور گرسنه  
سازگاری‌های اجتماعی و هنجارهای موجود

متون و آموزه‌هایی دیرپای دربرخی موارد به خشونت ارتباط داده شده‌اند. نگرش‌ها و قوانینی هم در مورد خشونت و هم در مورد احتراز خشونت و پیروی از صلح و عدم خشونت نیز موجود می‌باشد. کلمه "جهاد" لغتی عربی و بمعنای کوشش و مبارزه پنداشته می‌شود. برنارد لونیس، پژوهشگر تاریخ خاورمیانه ادعا می‌نماید که اکثریت قاطع حقوق دانان و سنت‌گراها در گذشته ضرورت جهاد را تنها در عملیات مسلحانه برداشت کرده‌اند. نامبرده اظهار می‌نماید که "جهاد" (بمثابه یک واژه اسلامی)، یکی از وظایف شرعی مسلمانان پنداشته می‌شود. عده‌ایی از پژوهشگران سنی، از جهاد بمثابه رکن ششم اسلام یاد می‌کنند. هرچند چنین مسأله‌ایی بگونه رسمی وجود ندارد. در شیعه‌های دوازده امامی، جهاد بمثابه یکی از ۱۰ فروغ دین شناخته می‌شود. در مورد پرخا شگری، بنیادگرایی و تروریسم، بحث‌های فراوانی صورت گرفته است. تروریسم اسلامی در اروپا در اواخر سده ۲۰ توسط دولت اسلامی (داعش) با "القاعده" و... انجام شده است. گزارش سالانه وضعیت تروریسم در اتحادیه اروپا منتشر می‌گردد. در اوایل سال ۲۰۰۰ بیشترین فعالیت‌های تروریستی به "القاعده" مرتبط بوده و این توطئه‌ها شامل گروه‌هایی بود که بمب‌گذاری‌های هماهنگی را سازماندهی و اجرا می‌نمودند. در پدیده تروریسم و عملیات انتحاری، ساختارها و عوامل انسانی مؤثر می‌باشند. بمنظور درک عواملی که منشأ بوجود آمدن و شکل‌گیری ساختارها و رفتار رهبران در چارچوب سازمان‌های تروریستی و عملیات انتحاری هستند، بایست زمینه‌های مؤثر در امر شکل‌گیری تروریسم و عملیات انتحاری را بیان نمود. عوامل زمینه‌ساز تروریسم بدو دسته تقسیم می‌شوند: "زمینه‌های خارجی" و "عوامل داخلی"، در نتیجه ترکیب این دو با یکدیگر، ساختاری بوجود می‌آید که موجب شکل‌گیری گروه‌های تروریستی و تروریسم میگردد.

همه بخاطر داریم که در سپیده دم سده ۲۰، نظامیان امریکایی بهدف مبارزه علیه "القاعده"، از زمین و هوا بر اراضی کشور ما تجاوز مسلحانه نمودند. اما بگونه منحصربفردی پس از ۲۰ سال حضور پرننگ و با شاخ و پنجه، ترجیح دادند تا بیش از این ب موجودیت شان در اراضی افغانستان خاتمه بخشند. بنابراین، بگونه خفت‌باری سرزمین و اراضی افغانستان را ترک نمودند که در نتیجه، "طالب"ها و جنگجویان "داعش" تا سرحد مرگ در تقابل و رویی‌های مسلحانه و خونینی علیه یکدیگر صرف آرایبی نمودند. در چنین وضعیتی، متحدین آنها در خارج از کشور از ارائه معلومات واقعی در مورد تلفات نیروهای خودی و مخالفان نیز طفره رفتند. ممکن این کار بگونه ظریفی انجام پذیرد، متأسفانه که اغلب نویسنده‌ها و دست‌اندرکاران مسایل مربوط، از سناریوهای پشت پرده اطلاع نداشته باشند. اما خاطر نشان می‌گردد که بلی، رویارویی آشکار میان "طالب"ها و "داعش" در ماه قوس سال ۱۳۹۴ آغاز گردید. در آن زمان، "طالب"ها و "داعش"، در بسا موارد از هم متفاوت بودند. چنانچه تذکر بعمل می‌آید که "طالب"ها بگونه قطع، دارای ساختار منحصربفرد منطقوی بوده که بمنظور دستیابی بهدف پاکسازی افغانستان

ن از اشغال خارجی ها "جهاد" نمودند. بگفته بسیاری ها، وظیفه و رسالت یادشده اکنون به پایان رسیده است. بنابراین، "طالب"ها در او ضاع و احوال کنونی با التفات بیشتری در مورد چگونگی تشکیل دولت ائتلافی بایست مجاهدین قبلی و سایر جنبش ها و حرکت های اسلامی را به گفتگو دعوت نموده تا از این طریق اعتماد شهروندان کشور را جلب نمایند. اما نباید فراموش خاطر ما شود که "داعش"، سازمان و دسته بندی "پان اسلامیزم" پنداشته می شود که با ادعای تحقق عملی ایجاد و برپایی خلافت جهانی وارد میدان گردیده، دارای ساختارهای اولیه بوده و در نقشه سیاسی کنونی جهان، هیچ مرزی را اصلن برسمیت نمی شناسد. از همینرو، "جهاد" "طالب"ها و "داعش" کاملن از هم متفاوت می باشد. اولی ها، رسالت شان را صرف در چارچوکات و حدود اربعه افغانستان می پندارند، اما "داعش" در صدد آن می باشد تا در عرصه بین المللی، باستثنای بنیادگرهای سنی مذهب، با کلیه پیروان ادیان و مذاهب دیگر مبارزه نمایند. در امتداد سال های ۱۳۹۴ - ۱۳۹۵، قتل عام و اعدام های وحشیانه مسلمانان شیعه در مقابل چشمان مردم، جهان اسلام را تکان داد. چنین اقدامی را اصلن نمیتوان صرف به خونخواهی و وحشیگری نسبت داد - بلکه فقط و فقط نتیجه چگونگی درک و برداشت های متفاوت از عقاید اسلامی پنداشته می شود. قابل یاددهانی میباشد که "داعش" در مجموعه قلمرو و هابیت بمثابة یکی از شاخه های سلفی گری پنداشته شده و چنین می انگارد که اسلام بایست در سراسر جهان تحت لوای واحدی، یعنی زیر لوای ایمان بسط و گسترش بخشیده شود. اما اکثریت "طالب"ها به مذهب حنفی که در کشور ما از پیروان بیشتری بر خوردار است، متعلق می باشند. حنفی ها در قبال تصوف از مدارا کار می گیرند. بسخن دیگر، بگونه ارگانیک، تمامی احکام موجود، آثار و عملکردهای معنوی نیمه فرهنگی و جنبه های درویشی را می پذیرند. باین مفهوم کایجاد و برپایی ساختار دولتی که بر "شرک" غالب گردد، از اهداف عمده و واقعی آنها پنداشته می شود که در کنار سایر موارد، در قبال مجموعه مسیحیت نیز نگرش تسامح را دنبال می نمایند. با موجودیت تضادهای آشتی ناپذیر و ضد و نقیض گویی هایی میان "طالب"ها و "داعش"، این واقعیت آشکار می گردد که میان آنها هیچگونه وجوه اشتراک ایدئولوژیکی اصلن موجود نمیشاند. "داعش" بویژه پس از اقدام تروریستی و انجام حمله انتحاری بتاریخ ۴ ماه سنبله سالروان که در نتیجه بمرگ ۱۳ تن از سربازان امریکایی و ۳۰ تن از "طالب"ها و مجروح گردیدن صدها تن از شهروندان کشور منتج گردید، بمثابة جانب سوم در درگیری های مسلحانه کشور عرض وجود نمود. بازمانده های قربانیان یادشده، بدون اندکترین تردیدی به صفوف "طالب"ها پیوسته و سوگند یاد نمودند کاز سازماندهنده های اقدام متذکره انتقام خواهند گرفت.

بایست متذکر گردید کاز بقدرت رسیدن "طالب"ها در کشور در حدود شش ماه سپری می گردد. در امتداد مدت زمان یادشده، آیا نشانه هایی از انجام آنچه جامعه بین المللی انتظار دارد، بنظر می رسد؟ آیا هر آنچه اکنون در مورد چگونگی وضعیت در کشور نگاشته می شود، بازگویی واقییت های موجود می باشد؟ عده ایی هم بر این با ورنند که در شرایط و وضعیت حاضر، نشانه هایی از پیشرفت ظاهر شده است، اما موجودیت نشانه ها به تنهایی برای اظهار اینکه کارهایی انجام شده، اصلن کافی بنظر نمیرسد. در قبال حاکمیت کنونی "طالب"ها در کشور راه طولانی بمنظور تأمین انتظارات شهروندان کشور آنهم بمعیارهای تعیین شده، از جمله در بخش فراگیری سیاسی و رعایت هنجارها و قواعد حقوق بشر در پیشرو می باشد.

مسأله فوق را در نوع خود بایست انکشاف داده و متذکر گردید که فرار شرم آورو عجلانۀ نظامیان امریکایی از کشور ما، کوهی از معضلات، از جمله میدان و عرصه گسترده مبارزه و مقابله "طالب"ها با "داعش" را همچنان و بیشتر از قبل وسعت بخشیده و این مسأله مطرح بحث قرار می گیرد که در قبال "داعش" که "طالب"ها را به تبا نی با "شیطان" (امریکایی ها) متهم می نمایند، به چه نحوه ایی موضعگیری خواهند نمود. بر بنیاد مسایل گفته آمده، بسیاری ها در مورد شعله و برگردیدن مجدد درگیری ها در کشور هشدار می دهند. جالبترین مسأله، این وا قعییت پنداشته میشود که تقریبین سایر بازیگران کلیدی مانند روسیه، ایران، ترکیه، چین، کشور های دیگر و حتا ایالات متحده، در حالی که این طاعون سیاه (داعش) را بکشور ما بارمغان آوردند، در مجموع از عملکردها و موضعگیری های "طالب"ها علیه آنها حمایت و پشتیبانی می نمایند.

یاددهانی این مسأله در خور اهمیت پنداشته می شود که به محض هجوم امریکایی ها بکشور ما مانند مست های میخانه، بسیاری از کارشناسان، بانها مشوره داده و یادآور شدند که پس از مطالعه دقیق چگونگی وضعیت و با در نظر داشت شرایط منحصر بفرد افغانستان، وارد عمل شوند. اما نظامیان امریکایی در امتداد انجام و تداوم عملیات مسلحانه، بانجام اشتباهات و خطا های وحشتناکی متهم گردیدند. بسیار خنده آور بنظر می رسد که قوت های

نظامی تا دندان مسلح دولتی ۳۵۰ هزار نفری کشور که یکی از بهترین ها محسوب می گردیدند، در امتداد ماه سنبله سال روان در مقابل ۷۵ هزار نفر از جنگجویان "طالب" های مجهز با سلاح های سبک و خفیف، از مقاومت منصرف شده و فرار را برقرار ترجیح دادند.

بخاطر می آوریم که اینهمه چسان و به چه نحوه ای آغاز گردید. از همان ابتدای آغاز عملیات نیروهای بین المللی تأمین امنیت در افغانستان (ایساف)، دسته هایی از نظامیان امریکایی مجهز با سلاح های مدرن و تجهیزات پیشرفته وارد صحنه نبرد و درگیری گردیده و بزرگان محل نیز سرهای شان را بعلاوه تأیید تکان دادند. صداهای تحکیم و تضمین دوستی سرداده شده و شهروندان ساکن در محلات هم، بگونه گلی، ضرورت رهایی از یوغ "طالب" ها را مورد پشتیبانی قرار داده و از آن استقبال بعمل آوردند.

جهان و جهانیان با علاقمندی شاهد بودند که به چه نحوه ای نیرومندترین اردوی جهان، "طالب" ها را تارومار نموده و قریه ها و قصبات کشور را از وجود مخالفان مسلح پاک نمودند. برنامه های دیداری تلویزیون ها، صحنه هایی از "بازگشت حاکمیت سیکولار" در کشور را به نشر می سپردند و واقعیت های چگونگی گرایش و تغییر جهت مجاهدین ناراض از "طالب" ها را بجانب امریکایی ها بنمایش می گذاشتند.

نخستین مرحله عملیات مسلحانه نظامیان امریکایی انجام پذیرفت، گروه هایی از "طالب" ها تقریباً بدون هیچگونه مقاومت آنچنانی، به کوهها و دامنه های دوردست کشور پناه برده و عده ای از آنها هم در میان مجموعه باشنده های محلات مختلف کشور مزج گردیدند. امریکایی ها با صدای رسا از پیروزی شان در درگیری های موجود ایی ها بآموزش قوت های مسلح کشور مبادرت ورزیدند.

با افزایش انفجارهای پیهم مین های فرش شده، گلوله باری ها توسط نظامیان امریکایی که از پشت های بازرسی و پایگاههای نظامی آنها، بویژه در امتداد شب ها انجام داده می شد و تداوم اقدامات و عملکردهای انجینی، برای شهروندان کشور ما آش آغاز درگیری های مسلحانه و جنگ های گوریلابی را بیش از هر زمان دیگر تهیه و آماده نمودند. براین بنیاد، مجموعه کشته ها و مجروح شدن های همه روزه شهروندان بیدفاع ملکی، تداوم عملیات مسلحانه در شهرها و قصبه های کشور، بمباران های هوایی و گلوله باری های قوت های توپچی بمنظور مراجعت به مناطق و محلات پاک شده از وجود مخالفان مسلح و...، همه اینها، جهنمی را بویژه برای شهروندان ملکی کشور برپانمود.

اما بایست متذکر گردید که هر ارتش و قوت های مسلح در صورت عدم موفقیت در صحنه های نبرد، بگونه کاملن طبیعی در ناامیدی فرورفته و شرایط و وضعیت برایش دشوارتر می گردد. نظامیان امریکایی در کشور ما نیز از چنین قاعده ای مستثناً نبودند. آنها در امتداد درگیری های مسلحانه ۲۰ ساله در کشور ما، نه تنها از نقطه نظر نظامی، بلکه از نظر اخلاقی هم شکست خوردند.

ایالات متحده و تمامی رسانه های مربوط بآن کشور، بمدت ۲۰ سال موجودیت و حضور نظامیان پنتاگون، در مورد ضرورت تداوم جنگ علیه تروریا فشرده شدند. سرگردانی های بی پایان در کوهها، حملات پیهم هوایی و تیراندازی های توپخانه ایی در کشور ما را همچنان تداوم بخشیده و روزتاروز، نظامیان یادشده، کمتر و کمتر و بندرت به بیرون از قلعه های مستحکم و بشدت محافظه شده شان، قدم رنجه می نمودند.

در این مورد شایان یاددهانی پنداشته می شود کاطلاعات و واقعیت ها در مجموع، قلب ماهیت جلوه داده می شد. در اواسط سال ۱۳۸۲، چگونگی و نحوه دستیابی به بهتر شدن اوضاع در کشور، جار و جنجال های بی شماری را سبب گردید. سربازان، افسران و حتا جنرال های موجود در میدان های درگیری های مسلحانه در کشور ما ادعاً می نمودند که جنگ و درگیری های مسلحانه در افغانستان هیچگاهی بانجام نخواهد رسید که در نتیجه به شکست نظامیان امریکای در اراضی کشور ما اعتراف نمودند.

مدت زمانی پس از آن، رؤسای جمهور ایالات متحده و سیاستمداران آن کشور، لفاظی های شان را اندکی تغییر دادند تا اگر توانسته باشند با این کارشان، شکست کامل نظامی کشور شان را از انظار عمومی مخفی و پنهان نگهدارند. در اینجا، بیشتر صحبت در مورد یکدوره زمانی معین از حضور مسلحانه مطرح می باشد، به نحوه ای که اهالی محل و شهروندان کشور به تشکیل و برپایی یک "دولت دموکراتیک" و سرو سامان دادن یک ارتش قوی ملی مبادرت ورزیدند. آنها همچنین مدعی اند که ایالات متحده اصلن سعی نمی ورزد تا در امر پیروزی طرفی و باخت طرف دیگر در جنگ های بیگانه شرکت نماید.

دروغ ها زمانی آشکار و هویدا گردید که رسانه ها، گزارش های جالبی از اجرای حملات مسلحانه علیه "طالب"

ها را بدست نشر سپردند. قبل براین، "طالب"ها در سال ۱۳۸۲ بمنظور درهم شکستن ارتش ملی کشور، نمایش های پرزرق و برقی را نیز اجرا نموده بودند. در واقع، اینهمه بمثابه حملات و یورش های پولیس مآبانه تلقی گردیده و گاهی هم بادروغ های شاخداری بخورد دیگران داده می شود. اما بایست خاطر نشان گردد که عده ای از کارشناسان نظامی پنتاگون، پرسشی را باین شرح مطرح می نمایند که به چه نحوه و چگونه قوت های مسلح آموزش دیده و تا دندان مسلح افغانستان که با تخنیک جنگی معاصر و پیشرفته ترین سلاح ها مجهز بودند، چرا در مقابل "طالب"ها تن به شکست دادند؟ بویژه قوت های مسلح موجود در کابل، پا بفرار نهاده و یا از مقاومت بیشتر منصرف گردیدند. در اینمورد، امریکایی ها مقصرین اصلی پنداشته می شوند.

"طالب"ها برای مدت زمان معینی، کشت خشخاش را در کشور متوقف نمودند، اما با سهمگیری مستقیم بیگانه ها و با شرکت فعال سی.ای.ای، کشت و زرع یادشده مجددن آغاز گردیده و بیشتر از پیش وسعت حاصل نموده که درآمد میلیون دالری از مدرک یادشده سبب ازدیاد رشوه و گسترش فساد در کشور گردید، دقیقن مانند آنچه که بر بنیاد برنامه های سرویس های ویژه امریکایی، ارتش عراق را از داخل تجزیه نموده و به سازماندهی گروه های خائن در ارتش صدام حسین مبادرت بعمل آمد که مشابه آن، مزدوران و جنگجویان بیشماری به صفوف "طالب"ها دیسانت گردیده و بیش از پیش تقویه گردیدند.

علاوه بر آن، بایست متذکر گردید که بدلائل معینی، جنگجویانی از سایر گروه های قومی و نژادی بصفوف "طالب"ها پیوستند، کاین در نوع خود در کنار سایر مسایل دیگر، فساد اخلاقی را در رده های ارتش و پولیس کشور بیش از پیش فراهم نمود. زیرا هر دو جانب درگیری بمنظور دستیابی به منابع انسانی و جلب و جذب نفرات از یک محیط قومی و قبیله ای منحصر بفردی تلاش می ورزیدند.

بنابراین، توانایی های مادی و مالی "طالب"ها معادل امکانات و توانایی های امریکایی ها در کشور گردیده و بیشتر بین سران قبایل کشور نیز، به نوعی، به همکاری با تروریست ها مبادرت ورزیدند. در این مقطع از یاد مانرود که نه تنها رشوه و سوؤ استفاده های کلاسیک نظامیان و مقامات، بلکه در کنار آن، نظم منحصر بفرد قبیله ای و... سبب ساز وضعیتی در کشور گردید که در نتیجه آن، پنتاگون به فراخواندن تمامی نظامیان از سرزمین وارا ضی کشور عزیز ما متوسل گردید.

در امتداد زمان آخرین پرواز در ماه اسد سال پار، امریکایی ها توسط گروه هایی از نظامیان شان، تمامی قوت های نظامی مسلح و نظامیان مستقر در کوه ها، دشت ها و مناطق دور افتاده و دشوار گذار در کشور ما را بخارج انتقال دادند. چنین وضعیتی، امریکایی ها را از فاجعه بزرگی نجات داد.

شعبات خدمات استخباراتی پاکستان که توافقنامه ها را نیز تنظیم نموده بودند، در موضعگیری میان ستیزه جویان و ارتش آن کشور، بیطرفی اختیار نمودند.

اما نباید فراموش نمود که بتاريخ ۲۴ ماه اسد سال روان، در پرتو آن، یکروز پس از ترک کشور ما توسط نظامیان امریکایی، "طالب"ها حملات شان بر نیروهای دولتی کشور را آغاز و وارد کابل شده و اعلام نمودند که بیشتر از این، درگیری های مسلحانه در کشور خاتمه پذیرفته است. در امتداد زمانی دوهفته پس از آن، عده ایی از شهر وندان کشور، کامندگان خارجی و محافظان نظامیان امریکایی و کارمندان افغان نیروهای خارجی، از میدان هوا بی کابل بخارج از کشور انتقال داده شدند.

بتاریخ ۹ ماه سنبله سال روان، نظامیان امریکایی، میدان هوایی کابل را نیز تخلیه و ترک نمودند. بدین ترتیب، به موجودیت و حضور ۲۰ ساله نظامیان امریکایی در کشور ما نقطه پایان گذاشته شد.

به تعقیب آن، در اوایل ماه سنبله سال روان، ترکیب حکومت مؤقت "طالب"ها بریاست محمد حسن آخوند که از سال ۱۳۸۰ تحت تحریم های سازمان ملل قرار داشت، نیز اعلام گردید.

یکشنبه ۸ ماه حوت سال ۱۴۰۰ خورشیدی